

تاریخ پنهان آیه چهل — شماره هفت

یازده و بیست و دو

Jeff Pippenger

2026-04-04

دانیال، باب یازدهم، آیه شانزده و آیه بیست و دو، هر دو با قانون یکشنبه که به زودی خواهد آمد، هم‌راستا هستند. تحقق آیه ده در سال ۱۹۸۹ به جنگ اوکراین در سال ۲۰۱۴ انجامید، چنان‌که این امر به واسطه تحقق نبرد رافیا در آیه یازده در سال ۲۱۷ پیش از میلاد بازنمایی شده است. آیه یازده تا آیه شانزده، همچنین همان آیه یازده تا آیه بیست و دو است؛ بنابراین، تاریخ پنهان آیه چهل، چنان‌که در آیات یازده تا شانزده بازنمایی شده است، همچنین به عنوان تاریخ آیه یازده تا بیست و دو نیز بازنمایی می‌شود. تاریخ پنهان آیه چهل به وسیله آیات یازده تا بیست و دو بازنمایی می‌شود.

فصل‌های یازده تا بیست و دو

آن تاریخ پنهان همچنین در باب‌های یازده تا بیست و دو ی پیدایش، متی، مکاشفه و آرزوی اعصار نیز بازنمایی شده است. آن چهار شاهد باب‌های «یازده تا بیست و دو» با تاریخ پنهان هم‌راستا هستند، زیرا تاریخ پنهان همان آیات یازده تا بیست و دو ی دانیال یازده است. مرکز آن چهار شاهد همواره نشانه عهد را مشخص می‌کند؛ با عهد مرگ که به وسیله نمود در باب یازده پیدایش نمایان شده آغاز می‌شود و با فاحشه روم در باب هفده مکاشفه پایان می‌یابد.

هفده

به استثنای متی، آن چهار شاهد، فصل هفدهم را به عنوان نقطه میانی دوره‌ای که به تصویر می‌کشند شناسایی می‌کنند. عدد هفده نیز سه بار در سه نبوت دویست و پنجاه ساله‌ای یافت می‌شود که در ۴۵۷ ق.م.، ۶۴ و ۱۷۷۶ آغاز شدند. دو تا از آن خطوط، (نخستین و آخرین)، یک نقطه میانی را مشخص می‌کنند، هنگامی که خط نخست ۴۵۷ ق.م. در ۲۰۷ ق.م. پایان یافت و آخرین خط ۱۷۷۶ در ۲۰۲۶ پایان می‌یابد. ۲۰۷ ق.م. میان نبردهای رافیا و پانیوم بود، و ۲۰۲۶ میانه دوره آخرین رئیس‌جمهور ایالات متحده است.

در میان سه خط دویست و پنجاه ساله، بطلمیوس هفده سال سلطنت کرد. در خط نرون میان سال‌های 313 و 330 هفده سال فاصله است، و میان نبرد رافیا در 217 ق.م. و نبرد پانیوم در 200 ق.م. نیز هفده سال فاصله بود. سه تن از چهار شاهد باب‌های یازده تا بیست و دو، نیمه دقیق خود را در باب هفدهم مشخص می‌سازند. از این رو، تاریخ پنهان آیه چهل در آیات یازده تا بیست و دو ی همان باب بازنمایی شده است، و چهار شاهد باب‌های یازده تا بیست و دو با همان آیات کاملاً همسو هستند. تحقق هر یک از سه نبوت 250 ساله با همان تاریخ دقیقاً منطبق است. بر نقطه میانی به عنوان نشانه راه تأکید شده است، و آن به طور خاص به عنوان نماد عهد و مهر قوم خدا شناسایی می‌شود.

دانیال دوازده

آیات هفت، یازده و دوازده از باب دوازدهم دانیال، دوره نهایی مهر شدن صد و چهل و چهار هزار را مشخص می‌کنند. آیه هفت، ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ را مشخص می‌سازد، و آیه دوازده، ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ را. آن پراکندگی مذکور در آیه هفت که در ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ پایان یافت و در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ آغاز شده بود، در آلفا و امگای سه آیه زمان نبوتی واقع در دانیال دوازده به تصویر کشیده شده بود. آیه میانی ۱۲۹۰

سال، تاریخ ۱۹۸۹ تا قانون یکشنبه قریب الوقوع را به عنوان ۳۰ مشخص می‌کند، و سپس ۱۲۶۰ را تا پایان مهلت امتحان بشر. سی سال، نمایانگر سن کهنانت صد و چهل و چهار هزار است، و ۱۲۶۰ سال، نمونه‌وار چهل و دو ماه نمادین مکاشفه سیزدهم است.

نبوت دوگانه ۳۰ که پس از آن هزار و دویست و شصت سال می‌آید، نمادی از نبوت عهد دوگانه ابراهیم و پولس، یعنی ۴۰۰ و ۴۳۰ سال، است. نقطه میانی سه آیه زمان در دانیال دوازده، نمایانگر شورش حرف سیزدهم است، و در عین حال بر عهد و مهر کردن صد و چهل و چهار هزار تأکید می‌ورزد. این سه آیه همچنین با تاریخ پنهان هم‌راستا هستند، و شاهدهی دیگر بر این تأکید می‌افزایند که نقطه میانی نمادی از عهد است.

بهار و پاییز

با همه این خطوط، باید سه شاهد اعیاد بهاری و پاییزی مذکور در لایوان بیست‌وسه را، که با فصل پنطیکاست در تاریخ صلیب هم‌راستا و ترکیب شده‌اند، نیز دربر گیریم. در آنجا، باب بیست‌وسه است، که نمادی از کار کفاره مسیح است. این باب از چهل‌وچهار آیه تشکیل شده است که به‌طور نمادین نمایانگر ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ است. ۲۲ اکتبر نمایانگر ۲۲ روز در اکتبر است، که از روز نخست آغاز شده و در روز بیست‌ودوم پایان می‌پذیرد، و بدین‌سان اعتبارنامه‌های الفبای عبری را در خود دارد. اکتبر که ماه دهم است، هنگامی که در روز بیست‌ودوم ضرب شود، حاصل آن ۲۲۰ می‌گردد.

در تقویم عبری، روز دهم ماه هفتم، روز کفاره بود، و ده ضرب در هفت، هفتاد است که نمادی از زمان آزمایش می‌باشد. دو هزار و سیصد سال در ۱۸۴۴ پایان یافت، هنگامی که فرشته سوم آمد؛ چنان‌که به‌واسطه فرمان سوم که آن دوره را آغاز نمود، به‌صورت نمادین نشان داده شده بود. در آغاز ۲,۳۰۰ روز، هفتاد هفته به‌عنوان زمان آزمایشی تعیین شده بود که آنگاه به اسرائیل باستانی تحت‌اللفظی اختصاص یافت؛ و در پایان آن روزها، دوره آزمایشی برای اسرائیل روحانی جدید به‌وسیله روز دهم ماه هفتم نمایان گردید، که معادل هفتاد است. ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ نمونه پیشاپیش قانون یکشنبه نزدیک‌الوقوع است، و در همان‌جا هفتاد سال نمادین زمان آزمایشی برای ادونتیسیم روز هفتم پایان می‌یابد، همان‌گونه که برای یهودیان هنگامی که استیفان سنگسار شد، پایان یافت.

۱۸۴۴ نمایانگر دوره‌ای است که در آن دو فرشته آمدند: دومی در نومیدی نخستین و سومی در نومیدی بزرگ. «۴۴» نمایانگر پیامی دوگانه است، چنان‌که در خبرهای آیه چهل‌وچهار دانیال یازده از مشرق و شمال بازنمایی شده است. لایوان بیست‌وسه از چهل‌وچهار آیه تشکیل شده است که اعیاد مقدس را به بهار و پاییز تقسیم می‌کنند. آن چهل‌وچهار آیه نمایانگر پیامی دوگانه‌اند. این دو فصل، هر یک با بیست‌ودو آیه بازنمایی شده‌اند؛ از این‌رو، هم اعیاد بهاری و هم اعیاد پاییزی نمایانگر بیست‌ودو حرف تقویم عبری هستند. هنگامی که آن دو شاهد بیست‌ودو آیه‌ای، همراه با فصل پنطیکاست، با یکدیگر گرد آورده شوند، چارچوبی سه‌گانه پدید می‌آورند.

نخستین گام‌نشان از سه بخش تشکیل شده است که پس از آن پنج روز می‌آید، همان‌گونه که آخرین آن سه گام‌نشان نیز چنین است. گام‌نشان میانی، سی روز تعلیم رو در رو از سوی مسیح با کسانی است که به‌عنوان کاهنان برای خدمت در کلیسای ظفرمند مسح می‌شوند. لایوان بیست‌وسه با تاریخ پنهان آیه چهل همسو است.

نقاط میانی

میانه خطی پیدایش از فصل یازده تا فصل بیست‌ودو، فصل هفده است؛ جایی که گام دوم از عهد سه‌مرحله‌ای ابراهیم و نشان ختنه برقرار گردید. مرکز دقیق همه آیاتی که در فصل‌های یازده تا

بیست و دو قرار دارند، پیدایش 17:22 است:

اما عهد خود را با اسحاق برقرار خواهم ساخت، که ساره در همین وقت معین در سال آینده برای تو خواهد زایید. و چون سخن گفتن با او را به پایان رسانید، خدا از نزد ابراهیم بالا رفت. پیدایش 17:22.

خدا در آیه یک آغاز به سخن گفتن با ابراهیم کرد و در آیه بیست و دو گفت و گوی خود را به پایان رسانید؛ از این رو، سراسر گفت و گوی عهد ختنه در چارچوب نبوی بیست و دو حرف الفبای عبری قرار گرفت، در حالی که مضمون این بیست و دو آیه، آیین ختنه بود که می بایست در روز هشتم به انجام می رسید. مرکز یا نقطه میانی این بخش از پیدایش، رابطه عهدی خدا با آن یکصد و چهل و چهار هزار تن است، چنان که در عهد ختنه ابراهیم بازنمایی شده است. نقطه میانی خط فصل های یازده تا بیست و دو کتاب پیدایش، فصل هفده است، و نقطه میانی مطلق این فصل، آیه بیست و دو است که در آن خدا گفت و گوی عهد را با ابراهیم پایان می دهد؛ و بدین سان، آن نقطه میانی در چارچوب الفبای عبری مشتمل بر بیست و دو حرف قرار می گیرد. و البته نقطه میانی آن بیست و دو آیه، آیه یازده است.

و گوشت قُلَّتِ خویشت را مختون سازید؛ و این نشان عهدی خواهد بود که در میان من و شماست. پیدایش 17:11.

نقاط میانی چهار بخش فصل های یازده تا بیست و دو کتاب مقدس، برای کامل کردن اندیشه نقطه میانی، سه آیه را دربر می گیرند.

این است عهد من که آن را در میان من و شما و ذریه تو بعد از تو نگاه خواهید داشت: هر ذکوری در میان شما مختون شود. و گوشت قلفه خویشت را مختون سازید؛ و این نشانه عهدی خواهد بود که در میان من و شماست. و هر پسری که هشت روزه باشد، در میان شما مختون شود، هر ذکوری در نسل های شما، خواه آن که در خانه زاده شده باشد، خواه آن که با نقره از هر بیگانه ای خریده شده باشد که از ذریه تو نباشد. پیدایش 17:10-12.

نشانه، علامتی است که یک علم را نمایندگی می کند. این عبارت درباره آن علم است که همان یکصد و چهل و چهار هزار نفرند. طفل ذکر باید در هشت روزگی مختون می شد، همان گونه که عهد نوح با هشت جان در کشتی برقرار شد؛ بدین سان، عدد هشت به کار گرفته می شود تا عهد نوحی را با عهد ابراهیمی به یکدیگر پیوند دهد. آنان باید فیلاولفایی باشند، زیرا باید مختون گردند؛ امری که پولس آن را نماز مصلوب شدن جسم معرفی می کند. هنگامی که جسم مصلوب می شود، الوهیت مسیح در درون است، و آن ترکیب همان علم است؛ زیرا چنان که خواهر وایت بیان می دارد: «وقتی سیرت مسیح به طور کامل در فرزندان او بازتولید شود، او برای آنان بازخواهد گشت.»

«طبیعت انسان فاسد است و به حق از سوی خدای قدوس محکوم می شود. اما برای گناهکار توبه کار تمهیدی فراهم شده است تا او به واسطه ایمان به کفاره پسر یگانه خدا، آمرزش گناه را بیابد، تبرئه گردد، به فرزندخواندگی در خانواده آسمانی پذیرفته شود، و وارث ملکوت خدا شود. دگرگونی شخصیت به وسیله عمل روح القدس پدید می آید؛ همان روحی که بر عامل انسانی عمل می کند و در او، بر وفق میل و رضایتش به انجام این کار، طبیعتی نو می نشاند. صورت خدا در نفس بازگردانده می شود، و او روزبه روز به واسطه فیض تقویت و تازه می گردد، و هرچه بیشتر قادر می شود تا شخصیت مسیح را در عدالت و قدوسیت حقیقی به گونه ای هرچه کامل تر منعکس سازد.»

«روغنی که آنان که به مثابه باکره های جاهل معرفی شده اند سخت بدان نیاز دارند، چیزی نیست که بر ظاهر نهاده شود. ایشان باید حقیقت را به قدس جان درآورند تا آن را تطهیر کند، پالایش

بخشد، و تقدیس نماید. آنچه بدان نیاز دارند نظریه نیست؛ بلکه تعالیم مقدس کتاب مقدس است، که اصولی نامعلوم و گسسته نیستند، بلکه حقایق زنده‌اند که مصالح ابدی را در بر می‌گیرند؛ مصالحی که مرکز آنها در مسیح است. در او نظام کامل حقیقت الهی قرار دارد. نجات جان، از راه ایمان به مسیح، بنیاد و ستون حقیقت است. آنان که ایمان راستین به مسیح را به کار می‌بندند، آن را با قدوسیت سیرت و با اطاعت از شریعت خدا آشکار می‌سازند. ایشان درمی‌یابند که حقیقت، آن‌گونه که در عیسی است، تا آسمان امتداد می‌یابد و ابدیت را در بر می‌گیرد. آنان درمی‌فهمند که سیرت مسیحی باید نمایانگر سیرت مسیح باشد و از فیض و راستی لبریز گردد. به آنان روغن فیض عطا می‌شود که نوری هرگز خاموش‌نشده را پایدار نگاه می‌دارد. روح القدس در قلب ایماندار، او را در مسیح کامل می‌سازد. این‌که مردی یا زنی در اوضاع برانگیزاننده، هیجانی عمیق از خود ظاهر سازد، دلیل قاطعی بر مسیحی بودن او نیست. آن‌که مسیح‌مانند است، در جان خود عنصری عمیق، استوار، و پایدار دارد، و با این همه، به ضعف خویش آگاه است و از ابلیس فریب نمی‌خورد و به بیراهه کشانده نمی‌شود تا بر خود توکل کند. او از کلام خدا شناخت دارد و می‌داند که تنها زمانی در امان است که دست خود را در دست عیسی مسیح بگذارد و چنگ خویش را بر او استوار نگاه دارد.»

«شخصیت در بحران آشکار می‌شود. هنگامی که آن ندای جدی در نیمه شب اعلام کرد: "اینک داماد می‌آید؛ برای ملاقات او بیرون روید"، باکره‌گان خفته از خواب خود برخاستند، و آشکار شد که چه کسانی خود را برای آن واقعه آماده کرده بودند. هر دو گروه غافلگیر شدند، اما یکی برای آن وضعیت اضطراری آماده بود، و دیگری بی‌هیچ آمادگی یافت شد. شخصیت به وسیله اوضاع و احوال آشکار می‌گردد. وضعیت‌های اضطراری جوهر حقیقی شخصیت را ظاهر می‌سازند. مصیبتی ناگهانی و پیش‌بینی‌نشده، داغ فقدان یا بحرانی سخت، بیماری یا اندوهی غیرمنتظره، چیزی که جان را رو در رو با مرگ قرار دهد، حقیقت باطنی شخصیت را آشکار خواهد ساخت. معلوم خواهد شد که آیا ایمانی واقعی به وعده‌های کلام خدا وجود دارد یا نه. معلوم خواهد شد که آیا جان به وسیله فیض پایدار نگاه داشته می‌شود، و آیا در ظرف همراه چراغ، روغنی هست یا نه.»

«ایام آزمون بر همه فرامی‌رسد. در زیر امتحان و محک خدا چگونه رفتار می‌کنیم؟ آیا چراغ‌های ما خاموش می‌شوند؟ یا همچنان آن‌ها را افروخته نگاه می‌داریم؟ آیا به واسطه اتصال خود با او که سرشار از فیض و راستی است، برای هر وضعیت اضطراری آماده هستیم؟ پنج باکره دانا نمی‌توانستند منش خود را به پنج باکره نادان منتقل کنند. منش باید به وسیله ما، هر یک به طور فردی، شکل گیرد. این را نمی‌توان به دیگری انتقال داد، حتی اگر دارنده‌اش مایل باشد آن فداکاری را به عمل آورد. هنوز که رحمت درنگ می‌کند، بسیار کارها هست که بتوانیم برای یکدیگر انجام دهیم. می‌توانیم منش مسیح را بازنمایی کنیم. می‌توانیم به خطاکاران هشدارهای امینانه بدهیم. می‌توانیم با کمال بردباری و تعلیم، توبیخ و سرزنش کنیم، و تعالیم نوشتار مقدس را بر دل بنشانیم. می‌توانیم همدردی صمیمانه ابراز کنیم. می‌توانیم با و برای یکدیگر دعا کنیم. با زیستن حیاتی محتاطانه، با نگاه داشتن سیرتی مقدس، می‌توانیم نمونه‌ای ارائه دهیم از آنچه یک مسیحی باید باشد؛ اما هیچ‌کس نمی‌تواند قالب منش خود را به دیگری بدهد. بگذارید به درستی این حقیقت را در نظر آوریم که ما باید نجات یابیم، نه به صورت گروه‌ها، بلکه به عنوان افراد. بر حسب منشی که شکل داده‌ایم دآوری خواهیم شد. غفلت از آماده ساختن جان برای ابدیت، و به تأخیر افکندن برقراری صلح خود با خدا تا بستر مرگ، کاری بس خطرناک است. به واسطه معاملات روزانه زندگی، و به واسطه روحی که آشکار می‌سازیم، سرنوشت ابدی خود را تعیین می‌کنیم. آن‌که در کمترین چیز امین است، در بسیار نیز امین است. اگر مسیح را الگوی خود ساخته باشیم، اگر چنان‌که او در زندگی خویش برای ما نمونه نهاده است راه رفته و کار کرده باشیم، آنگاه خواهیم توانست با شگفتی‌های هولناکی که در تجربه ما بر ما خواهد آمد روبه‌رو شویم و از صمیم دل بگوییم: "نه اراده من، بلکه اراده تو، انجام شود."»

«در ایام آزمایش، یعنی زمانی که ما اکنون در آن زندگی می‌کنیم، شایسته است که با آرامش در شرایط نجات تأمل کنیم و مطابق با شرایطی که در کلام خدا مقرر شده است زندگی نماییم. باید خود را ساعت به ساعت و روز به روز، با انضباطی دقیق، تعلیم داده و تربیت کنیم تا هر وظیفه‌ای را به انجام رسانیم. باید با خدا و با عیسی مسیحی که او فرستاده است آشنا شویم. در هر آزمون، این امتیاز از آن ماست که به او توسل جوییم؛ به او که گفته است: «بگذار قوت مرا بگیرد تا با من صلح کند؛ و با من صلح خواهد کرد.» خداوند می‌گوید که او برای عطا کردن روح‌القدس به ما، از والدینی که نان به فرزندان خود می‌دهند، راغب‌تر است. پس بگذارید روغن فیض را در ظرف‌های خود همراه با چراغ‌هایمان داشته باشیم، مبادا در شمار کسانی یافت شویم که به‌مثابه باکره‌های جاهل معرفی شده‌اند، که برای بیرون رفتن به استقبال داماد آماده نبودند.»
Review and Herald، سپتامبر 1895.

نشان صد و چهل و چهار هزار نفری که به‌واسطهٔ ختنهٔ ابراهیم و هشت نفری که بر کشتی بودند، به‌طور نمادین معرفی شدند، همان باکره‌گان حکیم در مثل‌اند که در بحران به‌زودی فرا رسنده، شخصیت مسیح را به‌طور کامل منعکس می‌سازند. کاملاً بجاست که خواهر وایت آن بخش را با استناد به اشعیا به پایان رساند، زیرا آن، عبارتی است که مستقیماً به زمان مهر شدن آن صد و چهل و چهار هزار نفر اشاره دارد.

در آن روز برای او بسرایید: «تاکستانی از شرابِ سرخ.» من، خداوند، آن را نگاه می‌دارم؛ هر لحظه آن را آب می‌دهم؛ مبادا کسی به آن زبانی رساند، شب و روز از آن محافظت می‌کنم. خشم در من نیست؛ کیست که خارها و خس‌ها را در نبرد در برابر من بگذارد؟ از میان آنها خواهم گذشت، و همه را با هم خواهم سوزانید. یا بگذارد به قوت من چنگ زند تا با من صلح کند؛ و با من صلح خواهد کرد. او سبب خواهد شد که آنان که از یعقوب‌اند ریشه بدوانند؛ اسرائیل شکوفه خواهد آورد و غنچه خواهد زد، و روی جهان را از میوه پر خواهد ساخت. آیا او را چنان زده است که زندگان او را زده بود؟ یا آیا او مطابق کشتار کسانی که به‌دست او کشته شدند، کشته شده است؟ به اندازه، هنگامی که شاخه می‌آورد، با آن محاجه خواهی کرد؛ او در روز باد شرقی، باد تند خود را بازمی‌دارد. پس بدین‌وسيله تقصیر یعقوب زوده خواهد شد؛ و تمامی ثمره، برای برداشته شدن گناه او، این است که همه سنگ‌های مذبح را مانند سنگ‌های گچ که خرد و شکسته شده باشند، بسازد؛ و اشیره‌ها و بت‌ها دیگر برپا نخواهند ماند. با این همه، شهر حصاردار ویران خواهد شد، و مسکن متروک گشته، همچون بیابان واگذاشته خواهد شد؛ در آنجا گوساله خواهد چرید، و در آنجا خواهد خوابید، و شاخه‌هایش را خواهد خورد. چون شاخه‌هایش خشک شوند، آنها را خواهند شکست؛ زنان می‌آیند و آنها را آتش می‌زنند؛ زیرا این قومی بی‌فهم‌اند؛ از این‌رو آن که ایشان را آفرید، بر آنان رحم نخواهد کرد، و آن که ایشان را صورت داد، بر ایشان التفات نخواهد نمود. اشعیا 2:27-11.

در «روز باد شرقی»، هنگامی که عصیان یعقوب زوده می‌شود و آن طبقهٔ دیگر «قوم بی‌فهم» گرد آورده شده، سوزانده می‌شوند، زمان مهرگذاری صد و چهل و چهار هزار فرا می‌رسد. در آن دوره، هر که بخواهد با مسیح صلح کند، می‌تواند چنین کند، اما حرکات نهایی، شتابان‌اند.

کاهنان می‌بایست در هنگام آغاز خدمت، سی‌ساله باشند، و آن یک‌صد و چهل و چهار هزار نفر، ملکوت کاهنان پطرس هستند که در ایام آخر، عهد را با خدا تجدید می‌کنند.

شما نیز، همچون سنگ‌های زنده، بنا کرده می‌شوید تا خانه‌ای روحانی و کهناتی مقدس باشید، تا قربانی‌های روحانی را که به‌واسطهٔ عیسی مسیح نزد خدا پذیرفته است، تقدیم کنید. اول پطرس

کاهنان برای خدمت در طی مراسم مسیحی هشت‌روزه آماده شده بودند؛ از این‌رو، عدد هشت نمادی از کهنات مسیح‌شده‌ای است که درون تابوت قرار دارند.

عصای هارون

کهنوت مسیح‌شده یک‌صد و چهل و چهار هزار نفر در درون صندوق عهد، به‌صورت عصای هارون که شکوفه آورد، نمایان شده است. هنگامی که عصای هارون شکوفه آورد، میان هارون و دیگر عصاهای اسباط اسرائیل که شکوفه نیاوردند، تمایزی پدید آورد. در کتب مقدس، این باران است که موجب جوانه زدن گیاهان می‌شود.

همه انبیا به ایام آخر خطاب می‌کنند؛ از این‌رو عصای کهنات هارون، نمایانگر مسح آن یکصد و چهل و چهار هزار نفر در وضعیتی است که با ایلیا بر کرمیل و با میلی‌ها در ۱۸۴۴ همسو است. این، به نقطه‌ای می‌پردازد که در آن تمایزی آشکار میان پیام‌های راستین و کاذب باران آخر پدید می‌آید. این تمایز را یونیل برقرار می‌سازد، آنگاه که مشخص می‌کند «شراب تازه» از یک طبقه بریده شده است. آن طبقه که شراب تازه از دهانشان بریده شده است، همان مستان افرایم در اشعیا هستند. ایشان همچنین همان کسانی‌اند که در پنتیکاست شاگردان را به مستی متهم کردند، و ایشان همان یاغیان ۱۸۸۸ هستند که از پدران خود پیروی کردند، همانانی که یاغیان ۱۸۶۳ بودند. همه آن خطوط نبوت با آن خطی از نبوت منطبق‌اند که خواهر وایت آن را چنین معرفی می‌کند: هنگامی که جهان درمی‌یابد ادونتیسیم نزدیک به یکصد و بیست و پنج سال است که از گلوله‌های آتشین نشویل آگاه بوده و هیچ نگفته است.

۸، هشتاد و ۸

عدد سی و عدد هشت، نمادهای کهنات آن یکصد و چهل و چهار هزار نفرند که علم ایام آخر هستند و بیانگر ترکیب الوهیت و انسانیت می‌باشند. عدد هشت، عشری از عدد هشتاد است، که عدد هشتاد کاهن شجاعی است که همراه با کاهن اعظم در برابر عزیلا پادشاه ایستادگی کردند، آن‌گاه که او کوشید در مکان مقدس بخور بگذراند. عدد هشتاد و یک، نمایانگر الوهیت متحد با انسانیت در بستر کهنات کلیسای ظافر است. تاریخ شورش عزیلا، آن کهنات هشتاد و یک را درست در همان بحرانی به هم پیوند می‌دهد که با شورش بطلمیوس، اندکی پس از نبرد رافیا، هم‌راستا است. همه انبیا ایام آخر را مشخص می‌کنند؛ بنابراین، کهنات الوهیت متحد با انسانیت، که همان کهنات کلیسای ظافر است و از هشتاد کاهن انسانی و یک کاهن اعظم الهی تشکیل شده است، در تاریخی شناسانده می‌شود که در سال ۲۰۱۴، هنگامی که جنگ اوکراین آغاز شد، شروع گردید.

فصل میانی خط دوازده‌فصلی پیدایش، فصل هفدهم است. آیه میانی این خط دوازده‌فصلی، آیه بیست‌ودوم است. آیه بیست‌ودوم پایان متمایز گفت‌وگویی میان خدا و ابراهیم را نشان می‌دهد که از آیه یک آغاز شده بود؛ از این‌رو آیه بیست‌ودوم به‌عنوان پایان یک خط نبوی شناخته می‌شود که مهر بیست‌ودو حرف الفبای عبری را بر خود دارد. آیه میانی این خط بیست‌ودوآیه‌ای، آیه یازدهم است، که آن نیز به‌نوبه خود، آیه میانی سه آیه‌ای است که علم آن یکصد و چهل‌وچهار هزار تن را مشخص می‌سازد. بنابراین، آیه یازدهم، آیه میانی سه آیه متمایز است، و آیه یازدهم حقیقت اصلی نه‌تنها آن بیست‌ودو آیه، بلکه همچنین آن سه آیه‌ای را که در میان آن‌ها قرار دارد، منتقل می‌کند؛ بدین‌سان آیات یازدهم و بیست‌ودوم به‌عنوان آغاز و پایان اندیشه اصلی مشخص می‌شوند. پس، آیات یازدهم تا بیست‌ودوم فصل هفدهم، مضمون اصلی فصل‌های یازدهم تا بیست‌ودوم است.

میانه باب‌های یازده تا بیست‌ودو در کتاب متی، باب شانزدهم است.

آنگاه شاگردان خود را فرمود که به هیچ‌کس نگویند که او عیسی مسیح است. متی 16:20.

چنان‌که در نقطه‌ی میانی سفر پیدایش نیز چنین است، آیه‌ی بیستم پایان گفت‌وگویی مشخص را نشان می‌دهد که در آیه‌ی سیزدهم آغاز شد، هنگامی که مسیح و شاگردان به قیصریه‌ی فیلیپی رسیدند.

چون عیسی به نواحی قیصریه‌ی فیلیپی رسید، از شاگردان خود پرسید و گفت: «مردم مرا که پسر انسانم، چه کسی می‌دانند؟» ایشان گفتند: «بعضی می‌گویند یحیی تعمیددهنده‌ای؛ بعضی، ایلیا؛ و بعضی دیگر، یرمیا یا یکی از انبیا.» به ایشان گفت: «اما شما مرا که می‌گویید هستم؟» شمعون پطرس در پاسخ گفت: «تو مسیح، پسر خدای زنده هستی.» عیسی در جواب او گفت: «خوشا به حال تو، ای شمعون باریونا، زیرا گوشت و خون این را بر تو مکشوف نساخته است، بلکه پدر من که در آسمان است. و من نیز به تو می‌گویم که تو پطرس هستی، و بر این صخره کلپسای خود را بنا خواهم کرد، و دروازه‌های هاویه بر آن استیلا نخواهد یافت. و کلیدهای پادشاهی آسمان را به تو خواهم داد؛ و آنچه را بر زمین ببندی، در آسمان بسته خواهد شد؛ و آنچه را بر زمین بگشایی، در آسمان گشوده خواهد شد.» آنگاه شاگردان خود را فرمان داد که به هیچ‌کس نگویند که او عیسی مسیح است. متی 16:13-20.

رافیا و پانیوم

نه‌تنها بخش میانی متی نمایانگر گفت‌وگویی متمایز و موضوعی مستقل است، بلکه همان‌گونه که نمادپردازی عهدی شهادت پیدایش با نبرد رافیا هم‌راستا است، گفت‌وگوی متی نیز در قیصریه فیلیپی، یعنی پانیوم، رخ می‌دهد. پانیوم مذکور در آیه‌ی پانزدهم دانیال یازده، نقطه‌ی میانی خط دوازده‌فصلی متی است، و رافیای مذکور در آیه‌ی پانزدهم دانیال یازده، نقطه‌ی میانی خط دوازده‌فصلی پیدایش است.

دویست و پنجاه سالی که در ۴۵۷ ق.م. آغاز شد، در ۲۰۷ ق.م. به پایان رسید؛ نقطه‌ی میانی میان رافیا در آیه‌ی یازده و پانیوم در آیه‌ی پانزده، جایی که نشانه‌ی ختنه‌ی ابراهیم و اعتراف پطرس به مسیحا به هم می‌رسند. در سلسله‌بیان کتاب متی، پطرس به شناسایی خویش از مسیح، پسر خدا، در هنگام تعمید او شهادت می‌دهد.

شمعون به معنای «کسی که می‌شنود» است و باریونا به معنای «پسر کبوتر». شمعون کسی بود که پیام تعمید مسیح را شنید، هنگامی که روح‌القدس به صورت کبوتری نازل شد. تعمید مسیح، یازدهم اوت ۱۸۴۰ را به‌طور نمادین پیش‌نمایی می‌کرد، زمانی که فرشته‌ی نیرومند مکاشفه‌ده نازل شد. همان فرشته در ۱۱ سپتامبر نیز نازل شد. پطرس نماینده‌ی کسانی است که ۱۱ سپتامبر را به‌عنوان پیام آزمون نسل صد و چهل و چهار هزار به رسمیت می‌شناسند.

پطرس نمایانگر کسانی است که روش‌شناسی «حکم بر حکم» را به کار می‌گیرند. او «پسر» کبوتر است؛ از این رو، به‌عنوان یک پسر، به‌طور نمادین نمایانگر نسل آخر است. پطرس نمادی از نسل آخر است، و با شماره‌گذاری نمادین نامش، نمایانگر یکصد و چهل و چهار هزار تن می‌باشد. پطرس نمایانگر نسل پایانی است که هنگامی که مسیح در خط نبوی ظاهر می‌شود، پیام توان‌بخشی را می‌شنوند. پطرس پیام مرتبط با تعمید مسیح را تشخیص داد، و از این رو، پطرس می‌توانست عیسی را به‌عنوان آن مسح‌شده شناسایی کند، که در عبری «مسیا» و در یونانی «مسیح» است. پطرس نمایانگر کسانی است که درک می‌کنند فرشته‌ی مکاشفه‌ده که در ۱۱ سپتامبر نازل شد، در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ نیز نازل شده بود. پطرس نمایانگر کسانی است که ۱۱ سپتامبر را به‌عنوان نشانه‌ای در مسیر درک می‌کنند که تنها به‌واسطه شهادت دو یا سه خط تثبیت می‌شود.

اعتراف پطرس این است که ۱۱ سپتامبر، فرارسیدن وای سوم را مشخص می‌سازد، که همان پیام آزمایش برای نسل آخر است. آن اعتراف همان‌جاست که نام تغییر می‌یابد. ابراهیم در رافیا است و

پطرس در پانیوم، درست پیش از صلیب. میان پانیوم و صلیب، پطرس قرار است از کوه تجلی دیدار کند. در پانیوم است که شمعون، هنگامی که اعتراف خود را درباره پیام آزمایش برای نسل خویش ادا کرد، به پطرس تبدیل می‌شود. برای صد و چهل و چهار هزار، آن پیام آزمایش، اسلام وای سوم است که در تاریخ نبوی در ۱۱ سپتامبر فرارسید.

آغاز آزمون ادونتیسیم در ۱۱ سپتامبر آغاز شد، و در پایان آزمون ادونتیسیم، پیام اسلام مربوط به وای سوم معین می‌سازد که نام شمعون چه هنگام و در کجا تغییر می‌یابد. پیامی که پطرس در پایان درک می‌کند، و در آغاز به وسیله پیام ۱۱ سپتامبر به‌طور نمادین پیش‌نموده شده بود، همان پیام تصحیح‌شده گلوله‌های آتشین نشویل است. در آنجا عید گرناها هم‌زمان با عروج علم و در بسته روز کفاره فرا می‌رسد.

این مطالب را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.